



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

زمان پذیرش نهایی: 99/10/15

شماره مجوز مجله: 80400

بازآفرینی بافت فرسوده شهری با رویکرد ارتقای حس مکان

مورد مطالعه: شهر مهاباد

اسماعیل صفرعلی زاده¹؛ فریبا علیایی²

1-دکتری رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری؛ دانشگاه پیام نور تهران، ایران

2-کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری گرایش مسکن و بازآفرینی شهری، دانشگاه پیام نور واحد ارومیه

چکیده

بافت‌های فرسوده شهری به عنوان یکی از مسائل مهم پیش روی مدیریت شهری مطرح می‌باشند که بنا بر اهمیت و جایگاه آنها در فرآیند توسعه شهر تا به امروز رویکردهای بسیار زیادی در خصوص ساماندهی آنها ارائه گردیده است که یکی از این رویکردها بازآفرینی و مکان‌سازی و ایجاد حس مکان است.

هدف اساسی این پژوهش ساماندهی و بازآفرینی بافت فرسوده در شهر مهاباد با رویکرد مکان‌سازی و ایجاد حس مکان است. جامعه آماری پژوهش را ساکنین محدوده بافت فرسوده شهر تشکیل می‌دهند و نمونه آماری آن تعداد 100 نفر از این افراد می‌باشد که به با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردیده‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مطالعات میدانی و پرسشنامه با استفاده از روش تحلیل SWOT و روش امتیازدهی QSPM انجام گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به وضع موجود محدوده و عوامل داخلی (W-S) و خارجی (O-T) پیش روی آن جهت ساماندهی و بازآفرینی شرایط آن با هدف ایجاد حس مکان استفاده از راهکارهای محافظه کارانه (WO) در اولویت اول قرار دارد.

واژگان کلیدی: فرسودگی، بافت فرسوده شهری، بازآفرینی، حس مکان، شهر مهاباد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مقدمه

در شهرهایی که پدیده شهرنشینی را مقدم بر شهرسازی تجربه می‌کنند؛ روند رشد و جذب شتابان جمعیت شهرنشین از کنترل خارج شده و عموماً شهرها با چالش‌های پرشماری روبه‌رو هستند (Boon et al, 2016: 7). نباید از نظر دور داشت که مرتفع ساختن چنین مشکلاتی هزینه و زمان زیادی را می‌طلبد (پاکزاد، 1388: 11). از مهمترین پیامدهای شهرنشینی به موازات بی‌توجهی به زیرساخت‌های مناسب شهری برای ساکنین و مهاجرین شهرها، می‌توان به پدید آمدن بافت‌های نامنظم و فرسوده پیرامون و درون شهر اشاره نمود (Ernawati, 2018: 7). فرسودگی بافت‌های شهری امروز به عنوان عاملی برای جلوگیری از تحقق روش‌های مدرن مدیریت شهری در شهرسازی به حساب می‌آید. همین امر، ناکامی طرح‌های شهری و به تبع آن رشد ناموزون شهرها را به بار آورده است (سلیمانی مقدم، 1392: 5).

انتخاب مناطق فرسوده شهری برای اسکان مهاجران و قشر کم‌درآمد شهر از افزایش روزافزون مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح شهرها خبر می‌دهد. این چالش‌های شهری، خود تهدیدی بزرگ برای شهرهای مهاجرپذیر به شمار می‌آیند (زنگنه و همکاران، 1393: 6). مناطق فرسوده که روزگاری بخش مهمی از شهرها را تشکیل می‌دادند و هویت شهرها به حساب می‌آمدند اکنون به مناطقی ناامن مبدل گشته‌اند. به واقع می‌توان این چنین پنداشت که هویت شهرها، به ویژه در بخش‌های مرکزی و بافت‌های قدیمی، خدشه‌دار شده است (سیافزاده و همکاران، 1392: 5). این در حالی است که بافت‌های مسکونی در گذشته تاریخی کشور، با دارا بودن ویژگی‌هایی همچون هویت، همبستگی اجتماعی، امنیت و تأمین خدمات محلی، به مثابه بستری برای تعاملات نزدیک و سکونت مطلوب مردم ایفای نقش می‌کرده‌اند.

ورود خودرو به محیط شهرها، تغییر شکل معابر و بافت‌های مسکونی، متأثر از این پدیده نوین، توسعه و رشد شهرها و افزایش فاصله میان محل کار و سکونت شهروندان، به تغییر ساختار سنتی بافت‌های مسکونی دامن زد. از دیگر سو بافت‌های مسکونی سنتی و مرکزی شهرها که تا مدت‌ها محل سکونت اعیان و شهروندان اصیل هر شهر به شمار می‌رفتند؛ به سکونتگاهی برای مهاجران و اقشار تهی‌دست مبدل شدند. تنزل کیفیت کالبدی و عملکردی ناشی از موارد یاد شده در این سکونتگاه‌ها و خدشه‌دار شدن هویت آن‌ها، ضرورت مداخله، احیا، باززنده‌سازی و ساماندهی بافت‌های قدیمی و فرسوده را ضروری می‌سازد. بافت‌های فرسوده در تمام شهرها، با معضلات به نسبت یکسانی روبرو هستند. این در حالی است که راهکارهای رویارویی با این چالش شهری متناسب با شرایط هر شهر متفاوت می‌باشد (شکیبایی و روشن، 1389: 7). از این رو، برای اصلاح بافت‌های فرسوده هر شهر، می‌باید، نخست، نوع بافت را مشخص نموده، سپس راهکار لازم جهت بهبود آن را اتخاذ نمود. از جمله مشکلات اقتصادی بافت‌های فرسوده شهری می‌توان به وضعیت نامطلوب اشتغال و درآمد و در نتیجه کم‌بضاعتی مالی و اقتصادی ساکنان، موقعیت و ارزش اقتصادی زمین، تغییر الگوی مصرف، سرمایه‌گذاری نامتعادل در امور عمرانی شهر، مالیات و عوارض شهری و ضعف همکاری نهادها و مؤسسات اقتصادی-فرهنگی در توسعه اقتصادی-اجتماعی بافت قدیمی اشاره نمود. از این رو، رویارویی با رکود جاری در این مناطق مستلزم تدابیر مناسب شهرسازی است. چرا که می‌توان با تحرک بخشیدن و احیا و بازسازی مناطق راکد و خاموش شهری، حیاتی دوباره بدان‌ها بخشید و از ناکارآمدی و تحمیل هزینه به شهر ممانعت به عمل آورد.

بازآفرینی بافت‌های فرسوده شهری از رویکردهای مهم ساماندهی این بافت‌ها می‌باشد که امروزه در بسیاری از مناطق جهان به کار گرفته شده است. ساماندهی بافت‌های فرسوده باید به‌گونه‌ای صورت پذیرد که اصولی از جمله معماری و شهرسازی، توانمندسازی ساکنان بافت‌های فرسوده جهت مشارکت در بازسازی، جلوگیری از سوداگری زمین، تلاش برای حداکثر بازدهی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

در بازسازی بافت فرسوده، احیا و بازسازی سریع و کامل بافت‌ها، اجرای طرح بازسازی در قالب طرح‌های مشخص اجرایی قابل تفکیک و دارای قابلیت انعطاف‌پذیری، استفاده بهینه از زمین‌های شهری، و کاهش فاصله بین دو قطب موجود در شهر رعایت شود. در این زمینه از جمله رویکردهای نوین که در راستای تحقق آرمان‌های توسعه پایدار و نوسازی و بهسازی بافت‌های مسکونی، بدین مهم پرداخته، رویکرد نوسازسازی است. اصول نوسازسازی به مثابه یک بسته طراحی شهری با بهره‌گیری از اصول طراحی محلات سنتی، به دنبال طراحی فضاهای شهری جدید به صورتی کارا و پایدار و هماهنگ با مقیاس انسانی است (یعقوبی و شمس، 1398: 6).

فرسودگی به عنوان یکی از مشکلات اساسی شهرهای کشور ایران مطرح می‌باشد به نحوی که تاکنون در ۷۶ شهر بزرگ کشور بیش از ۳۲ هزار هکتار بافت فرسوده بر اساس شاخص‌های شورای عالی معماری و شهرسازی ایران توسط سازمان عمران و بهسازی شهری وزارت مسکن و شهرسازی شناسایی شده است. در حالی که برآوردها نشان از حدود ۵۰ هزار هکتار بافت فرسوده در کشور دارد (پیوسته‌گر و نجاتیان، 1395: 7).

شهر مهاباد دارای قدمتی نسبتاً تاریخی می‌باشد و پیدایش و شکلگیری و توسعه آن نیز از برنامه، طرح و الگوی خاصی پیروی نکرده و به صورت نامنظم و بدون قاعده رشد کرده است همچنین با توجه به ریخت و بافت درونی، که دارای بافتی سنتی بوده در بعضی از مناطق که کم هم نیستند با معضل بافت فرسوده در برخی از بخش‌های شهر روبه‌رو است که این مناطق با مشکلات گسترده از جمله کم بودن سرانه کاربری، بافت نامنظم، کمبود یا نبود سرانه فضای سبز و بسیاری از موارد دیگر مواجه می‌باشد که موجب کاهش تمایل به سکونت در این محدوده و از بین رفتن حس تعلق و مکان نسبت به آن گردیده است از این رو برنامه ریزی برای ارتقای وضعیت بافت فرسوده این شهر از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

رویکرد تحقیق حاضر شناخت عناصر بازآفرینی کالبد بافت است که ضامن ارتقاء حس تعلق به مکان ساکنین در بافت می‌باشد. در این پژوهش، فرض بر این است که فرسودگی کالبدی بافت در محلات قدیمی موجب کاهش حس تعلق به مکان ساکنین می‌شود. در نتیجه می‌توان با ساماندهی و بازآفرینی به طور خاص در فضای واسط واحدهای مسکونی که قابلیت ارتقاء کیفی دارند، علاوه بر بهبود کیفیت فضاهای سکونت، حس تعلق به مکان ساکنین و میزان رضایتمندی آنها را افزایش داد.

در این راستا پژوهش حاضر سوالات زیر را مطرح نموده است:

1. مهمترین عوامل پیش روی رشد و توسعه بافت های فرسوده شهری با تاکید بر بافت فرسوده شهر مهاباد کدامند؟
2. اولویت بندی راهکارهای ساماندهی و بازآفرینی بافت فرسوده شهر مهاباد با تاکید بر رویکرد ایجاد حس مکان در شهروندان چگونه می‌باشد؟

پیشینه پژوهش

فرسودگی از مهمترین مشکلات شهرها بخصوص شهرهای قدیمی در کشورهای مختلف است که یکی از تاثیرات آن کاهش حس تعلق و هویت مکانی است که بی توجی به این مساله می‌تواند پیامدهای جبران ناپذیری را به همراه داشته باشد. در این راستا تا به امروز در حوزه نظری و عملی مطالعات زیادی در زمینه ساماندهی و ارتقای حس تعلق و هویت مکانی در اینگونه بافت‌ها انجام گردیده است از جمله صدریان و دیگران (1393) در مقاله خود با عنوان ارتقاء حس تعلق به مکان از طریق نوسازی بافت فرسوده با توجه به فضای واسط (نمونه موردی: محله باغ شاطر تهران) به دنبال ارائه راهکارهای مناسب جهت ارتقای حس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

مکان در محدوده بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد نوسازی کالبد بافت فرسوده به ویژه در فضاهاى عمومى واسط بلوک‌هاى مسکونى از طریق اقداماتى نظیر کنترل محصوریت، استفاده از عناصر هویت بخش، حضور عوامل طبیعى و ایجاد دید و منظر مناسب مى‌تواند حس تعلق به مکان را به ساکنین محلات قدیمى بازگرداند. حاجى زاده و شهروز تهرانى (1396) در مقاله‌اى با عنوان بازشناسى اصول بازسازى و بهسازى محله هاى شهرى در بافت فرسوده به منظور ابقا هویت مکان (مقایسه تطبیقى نمونه هاى داخلی و خارجی) به توصیف تجارب مقایسه‌اى برنامه هاى بازسازى و بهسازى با تاکید بر حس مکان پرداخته‌اند. مطابق نتایج بدست آمده پیچیدگى عظیم‌تر مسائل و معضلاتى‌اند که از تغییر رویکرد نوگرایانه بهسازى و نوسازى ناشى شده است. یک تجربه زمانى خوب است که با بستر و محیط خود سازگار باشد و اگر آن را در جایی دیگر عینا کپی کنیم، دیگر با محیط و بستر سازگار نیست و نمى‌توان آن را یک تجربه خوب تلقى کرد. محمودزاده و دیگران (1398) در مقاله خود با عنوان تحلیل فضایی حس تعلق مکانی در احیاء بافت فرسوده با استفاده از رگرسیون وزن دار جغرافیایی در منطقه سه تبریز به این نتیجه دست یافتند که در بین سه شاخص مورد استفاده (اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی)، بیشترین تاثیر را شاخص اجتماعی دارد و دو شاخص کالبدی و زیست محیطی به ترتیب در اولویت های بعدی قرار دارند. همچنین نتایج تحلیل فضایی نشان می‌دهد که ناحیه های یک و دو (خیابانهای چرنداب، لیل آباد، باغشمال، حافظ و همچنین ناحیه منظر به) از نظر احیای بافت فرسوده در وضعیت مناسب و مطلوبی قرار دارند. حس تعلق مکانی از روش رگرسیون وزن دار جغرافیایی (GWR) در محیط نرم افزار Arc GIS استفاده شده است. نتایج رگرسیون وزن دار جغرافیایی نشان می‌دهد که در بین سه شاخص مورد استفاده (اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی)، بیشترین تاثیر را شاخص اجتماعی دارد.

روش شناسی

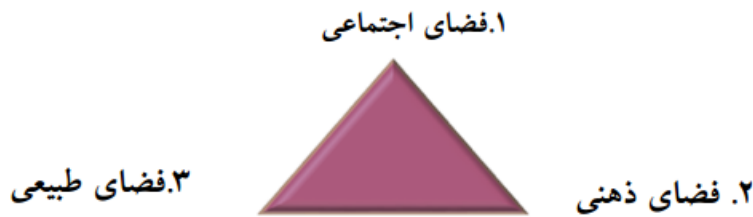
پژوهش حاضر بر اساس روش از نوع توصیفی تحلیلی است و اساس کار آن پرسشنامه و انجام مطالعات میدانی است و با توجه به هدف خود که ساماندهی محلات فرسوده شهری با رویکرد ایجاد حس مکان است در زمره پژوهش‌های کاربردی است که نتایج آن می‌تواند مورد استفاده سازمان‌های مرتبط قرار گیرد. محدوده مورد مطالعه پژوهش شهر مهاباد و بافت فرسوده آن انتخاب شده است. جامعه آماری این پژوهش ساکنین محله می‌باشد و نمونه آماری آن عداد 100 نفر از ساکنین می‌باشد در این پژوهش تلاش گردیده تا با استفاده از پرسشنامه با ساکنین ارتباط برقرار شود و نظرات آنها جمع‌آوری گردد. تجزیه و تحلیل اطلاعات در این تحقیق با استفاده از روش تحلیل SWOT و روش امتیازدهی QSPM انجام گردیده است.

مبانی نظری

فضا حجم مکانی و زمانی مجموعه‌ای از تمام فعالیت‌هایی است که انسان در راه تسلط بر طبیعت و برای بقای خود انجام می‌دهد. به عبارتی دیگر منظور فضایی است اقتصادی و اجتماعی که منعکس کننده تمام هستی جوامع انسانی است (مدنی‌پور،

1389: 6)

ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



شکل شماره 1. ابعاد اصلی فضا

فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می‌باشند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند (Carmona et al, 2003: 6). فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود (Handy, 2003: 5).

بافت قدیمی شهر را می‌توان هسته اصلی شکلگیری شهرها دانست. در این بافت‌ها عمدتاً به دلایل مختلف از جمله گسیختگی سیمای کالبدی، فرسودگی ساختمان‌ها، درهم تنیدگی چهره، شالوده و نشانه‌های شهری موجب گردیده است که این بافت‌ها از حیات اصیل تهی گردد (علی آبادی، 1387: 85) به لحاظ لغوی فرسودگی به معنای پوسیدگی و کهنگی است. فرسودگی به لحاظ ماهوی جزء ذات و جوهره هر شکل انسان ساخت است که در طول زمان و برابر فعالیت و تغییرات مکرر و پیوسته حاصل می‌شود (Diamond, 2012: 5). لذا مفهوم فرسودگی علاوه بر ویژگی مکانی به لحاظ زمانی نیز قابل شناسایی و اندازه‌گیری است. فرسودگی به معنای واقعی آن مترادف با اضمحلال و ناکارآمدی تدریجی و گام به گام در طی یک دوره زمانی مشخص است. بافت فرسوده، به بافتی از شهر اطلاق می‌شود که ارزش‌های پذیرش شهروندی آن کاهش یافته و ساکنان از شرایط زندگی در محل، رضایت و ایمنی خاطر را ندارند و نیازهای اساسی آنها برآورده نمی‌شود. (عندلیب، 1385: 13). در یک بیان کلی می‌توان بافت فرسوده و مسئله‌دار را بافتی برشمرد که "جریان حیات و زندگی" در آن به مخاطره افتاده باشد و روند طبیعی زندگی در آن وجود نداشته باشد. با توجه به تعبیر "حیات شهری" به "کالبد مناسب" توأم با "فعالیت ساکنان"، بروز مسئله در بافت می‌تواند ناشی از نقصان در کالبد یا فعالیت باشد. بروز مسئله می‌تواند ناشی از "قدمت بافت" یا "کمبود طرح‌های توسعه شهری" یا "ناکارآمدی بافت" در ارائه تسهیلات و خدمات شهری مناسب باشد. وجود این مسائل در بافت شهری منجر به تنزل ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی بافت گردیده و انگیزه برای نوسازی یا سرمایه‌گذاری را در ساکنان، مالکان یا سرمایه‌گذاران از بین برده است (احمدی و دیگران، 1393: 5).

فرسودگی به دو دسته تقسیم می‌شود: نسبی و کامل. فرسودگی نسبی فرسودگی است که در یکی از عناصر مهم فضای شهری یعنی کالبد یا فعالیت رخنه می‌کند و به دنبال خود باعث فرسودگی نسبی فضای شهری می‌گردد. در حالت اول، فرسودگی نسبی شامل فعالیت است که با وجود کالبدی سالم باعث فرسودگی نسبی فضای شهری شده است. در این حالت اگر بتوان فعالیت شهری را از فرسودگی رهایی بخشید، می‌توان فضای شهری را به شکل اصلی خود یعنی فعال بودن فضای شهری نزدیکتر ساخت. در این حالت بدون دگرگونی عمده در کالبد، فضا زندگی خود را از سر می‌گیرد. در این حالت می‌توان از ابقا (باقی ماندن یا باقی داشتن) سازمان فضایی شهر سخن گفت. ابقا عملی است که اندک اندک و به صورت مداوم در فعالیت های شهری انجام می‌گیرد (اکبرپور و دیگران، 1390: 5). در حالت دوم، فرسودگی نسبی شامل کالبد است که با وجود حضور فعالیت مناسب، باعث فرسودگی نسبی فضای شهری شده است. در این حالت اگر بتوان کالبد را از فرسودگی رهانید، می‌توان از حیات مجدد فضای شهری سخن گفت. در این حالت عمل احیا صورت می‌گیرد. احیا عملی است که با تغییرات ساختمانی و تعمیرات اندک



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ولی مداوم بر روی کالبد صورت می‌گیرد. فرسودگی کامل، فرسودگی است که در هر دو عنصر شهری یعنی کالبد و فعالیت آن رخنه کرده باشد و به دنبال آن باعث فرسودگی کامل فضا شود. پس فرسودگی یا در کالبد یا فعالیت و یا در هر دو به شکل یکجا می‌رسوخ می‌کند (ابراهیمی، 1393: 22).

در ادبیات اخیر دنیا، واژه «بازآفرینی شهری» به عنوان یک واژه عام که مفاهیم دیگری نظیر بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روانبخشی را در بر می‌گیرد، به کار می‌رود. بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی فضایی (کالبدی و فعالیتی) منجر می‌شود. در این اقدام، فضای شهری جدیدی ایجاد می‌شود که ضمن شباهت‌های اساسی با فضای شهری قدیم، تفاوت‌های ماهوی و معنایی را با فضای قدیم به نمایش می‌گذارد (Seeo., 2002: 12). بازآفرینی (معاصرسازی) یعنی تولید سازمان فضایی جدید منطبق بر شرایط تازه و ویژگی‌های نو که همگی در ایجاد روابط شهری جدید و یا تعریف دوباره روابط شهری کهن یا موجود مؤثر می‌افتد. در این رویکرد توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی و حفظ ثروت‌های بومی و تاریخی، انتقاد از ساخت و سازهای دارای یک نوع کاربری به جای کاربری‌های متعدد، توجه به اقدام‌های کیفی به موازات اقدام‌های کمی، مشارکت گروه‌های اجتماعی و ... مشهود می‌باشد (McDonalds., 2009: 13) بازآفرینی عبارت است از فرآیند توسعه همه جانبه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی به منظور ارتقای کیفیت زندگی در محدوده‌ها و محله‌های هدف در پیوند با باقی شهر (وزارت راه و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، 1394: 9).

بازآفرینی شهری نگرش و کنشی است جامع و مانع برای حل مشکلات شهری منطقه‌ای هدف عملیات، که در نهایت به یک پیشرفت پایدار اقتصادی، فیزیکی، اجتماعی و محیطی خواهد انجامید (هادوی و همکاران، 1396: 6). این تعریف حاوی تمام ویژگی‌های اساسی بازآفرینی شهری است. بر اساس این تعریف می‌توان اصول و مبانی بازآفرینی شهری که منعکس کننده چالش‌های تغییر و تحولات شهری و نتایج آن باشد را بشرح زیر معرفی نمود:

- مبتنی بر یک تحلیل کامل از منطقه‌ای شهری مورد نظر بوده و در پی اصلاح همزمان ساختار فضایی کالبدی بافت، ساختار اجتماعی، پایه‌های اقتصادی و شرایط محیطی آن منطقه باشد.

- در جهت رسیدن به اصلاح همزمان، از یک استراتژی جامع و کاملی استفاده کند، و با راه حل‌های دقیق و از پیشی معلوم شده، قطعی و علمی با مشکلات روبرو شود.

- اطمینان حاصل کند که استراتژی و برنامه‌های اجرایی طرح شده، در مسیر اهداف «توسعه ی پایدار» قرار دارند.

- دارای اهداف عملیاتی واضح و مشخصی، قابل بسط به مکان مختلف و دارای کیفیت مطلوب باشد.

- بهترین استفاده ممکن را از منابع طبیعی، اقتصادی، انسانی و غیره کرده باشد. در پی مشارکت حداکثری ممکن و همراهی تمامی ذی نفعان باشد.

- بر اهمیت سنجش میزان پیشرفت اجرایی استراتژی اجرا شده، از طریق رصد میزان اهداف محقق شده، و دیدبانی تغییرات بنیادین حاصله، و تخمین تاثیرات نیروهای خارجی و داخلی تحمیلی بر منطقه شهری، تاکید داشته باشد.

- به ضرورت تجدید نظر در برخی برنامه‌های تصویب شده اولیه، در مرحله اجرا و در پی برخی تغییرات و رخداد‌های پیش بینی نشده واقف باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

- متوجه این حقیقت باشد که بخش‌های مختلف یک استراتژی، با سرعت‌های مختلف به نتیجه خواهند رسید. و ممکن است برای ایجاد توازن منطقی، میان مقاصد یک برنامه بازآفرینی شهری و دستیابی به تمام اهداف استراتژیک آن، در نحوه مدیریت منابع و یا تدارک منابع اضافی به بازنگری نیاز داشته باشد (Roberts & Sykes, 2000: 4).

مکان‌ها از فضاها ساخته می‌شوند هنگامی که در برگیرنده تعاملات انسان با محیط باشند. مکان با دربرداشتن نظام فیزیکی هم چنین طیفی از فعالیت‌های انسانی و فرآیندهای اجتماعی/روانشناسانه هویت‌مند می‌گردد. مکان‌ها صرفاً محفظه‌هایی راکد و فاقد روح نیستند بلکه بیشتر از طریق مکانیسم‌های اجتماعی و فرهنگی که معنا یا ارزش به آنها می‌بخشند، بوجود می‌آیند و حفاظت می‌شوند. (Kaylene and Colin, 2009: 903).

در فرهنگ لغت جغرافیایی آکسفورد واژه "مکان"، نقطه‌ای خاص در سطح زمین تعریف شده است که محلی قابل شناسایی برای موقعیتی است که ارزش‌های انسانی در آن بستر، شکل‌گیری و رشد یافته است. فرهنگ لغت انگلیسی وبستر نیز علاوه بر مفهوم جغرافیایی، به نحوه و قرارگیری افراد در جامعه در مکان‌های خاص (بعد اجتماعی فضا) اشاره دارد (بمانیان، 1387: 20). از دیدگاه رلف مکان‌ها انتزاجی از نظم طبیعی و انسانی و مراکز واضحی از تجربیات بلاواسطه از جهان هستند. مکان‌ها کمتر از طریق موقعیت‌ها، منظرها و اجتماعات منحصر بفرد تعریف شده‌اند بلکه بیشتر از طریق تمرکز بر تجربیات و مفاهیم استقرار خاص تعریف شده‌اند (Larice and Macdonald, 2007: 119-120). بر طبق تعریف نوربرگ شولتز، مکان جایی است که کاراکتری ویژه و برجسته داشته باشد. "سو کلای فرد" مکان را فضا بعلاوه معنا می‌داند (Robert cowan, 2005: 290).

حس مکان ساختاری پیچیده و چند بعدی است که برای توصیف نمودن ارتباط بین مردم و قرارگاه فضایی بکار می‌رود (Caves, 2005: 432). حس مکان به عنوان نیاز انسان، که برای خوبی و احساس ایمنی و امنیت جهت یابی لازم است و علاجی برای حس غربت و بیگانگی مورد توجه قرار گرفت. گوردن کالن (1961) آن را "حس بودن در اینجا" نامگذاری کرد، کریستوفر الکساندر (1979) اظهار نمود که می‌توان از طریق "راه بی‌زمان ساختن" به آن رسید و نشان داد که چگونه مکان‌سازی در هر مقیاسی از بالکن خصوصی مشرف بر راه عمومی گرفته تا کل مناطق مناسب است. جین جیکوب (1961) خیابان‌های سرزنده روستاهای گرین ویچ را به عنوان مثالی شایسته برای محیط شهری متعادل و ایمن تحسین می‌نمود. لینچ (1981) آن را بخشی از تئوری خود بنام فرم شهر خوب قرار دارد (Iris, 2002: 201-12).

می‌توان گفت که موضوع حس مکان 2 مفهوم مرتبط حسی را ترکیب می‌نماید: (1) ادراک و نظم و به عنوان "حس ساختن"¹ (2) حس فیزیکی و احساس همانند بویایی، چشایی و بینایی. حس تعلق به مکان به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و مکان برای او قابل احترام می‌شود (سرمست، 1389: 5). شامای برای حس مکان سه مرحله اصلی تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را با هفت سطح تعیین می‌کند: بی تفاوتی نسبت به مکان، آگاهی از قرارگیری در یک مکان، تعلق به مکان، دلبستگی به مکان، یکی شدن با اهداف مکان، حضور در مکان، فداکاری برای مکان (Shamai, 1991: 8). حس انسان به مکان متناسب با نوع مکان (اعم از مسکونی، اداری، تفریحی، تجاری و ...) و کاربران آن متغیر است. (Sacannel, 2010: 6).

¹ making sense



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ساخت محدوده مورد مطالعه

شهرستان مهاباد یکی از شهرهای کردنشین استان آذربایجان غربی است که در جنوب استان واقع شده است و مرکز آن شهر مهاباد که در ۴۵ درجه و ۴۳ دقیقه و ۳ ثانیه شرقی نصف النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۴۶ دقیقه و ۳ ثانیه عرض شمالی واقع شده است. هسته اصلی شهر مهاباد بر ساحل راست رودخانه مهاباد واقع شده است که از الحاق دوشاخه بیطاس و دهکبر در یک کیلومتری شهر در اراضی نسبتاً همواری که در بین کوه‌های اطراف محصور است، قرار گرفته است. این شهرستان از طرف شمال به دریاچه ارومیه و شهرستان میاندواب، از مشرق به شهرستان بوکان، از جنوب به شهرستان سردشت و از طرف مغرب به شهرستان‌های پیرانشهر و نقده محدود است، که مساحت آن ۲۵۹۲ کیلومتر مربع با ۶/۹ درصد از مساحت استان است. شهرستان مهاباد براساس آخرین تقسیمات کشوری شامل ۲ بخش و ۲ نقطه شهری بوده که تعداد جمعیت آن براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۲۱۵۵۲۹ نفر است که از این تعداد ۱۴۸۲۳۰ نفر در نقاط شهری و ۶۷۲۹۹ نفر در مناطق روستایی شهرستان ساکن هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱).

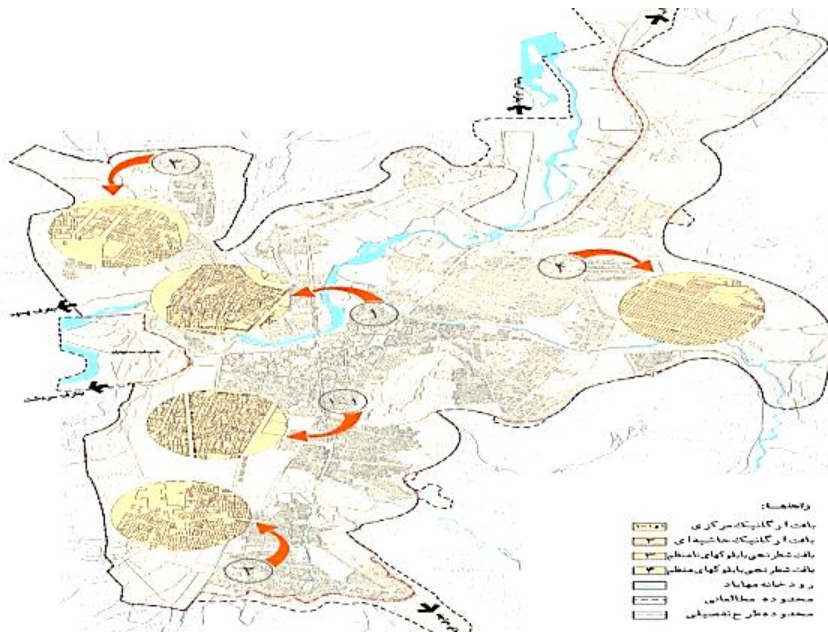
شهر مهاباد در جنوب استان آذربایجان غربی قرار دارد که طی دوره‌های مختلف به ویژه در سال‌های ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ - ۱۳۸۵ جمعیت آن رشد و گسترش تقریباً زیادی داشته است. مهاباد را مجموعه‌ای از تپه ماهورها احاطه کرده است. بستر طبیعی محلات نابسامان شهر بر یک نظام توپوگرافیک شکل گرفته است که در برگیرنده شبکه‌ای از تپه ماهورها و دره‌هاست. ساختار فضایی و کالبدی این محلات نیز از این بستر طبیعی پیروی کرده است؛ به صورتی که غالب محلات نابسامان شهر روی این تپه ماهورها استقرار یافته‌اند. مرز این محلات از طریق دره‌های قرار گرفته بین تپه ماهورها تعیین شده است. این شکل طبیعی در عمل موانعی طبیعی برای گسترش شهر ایجاد کرده است؛ چنان که از شرق و جنوب شهر هرگونه ساخت و ساز باید با تصرف زمین در تپه‌های اطراف و اشغال و تصرف این تپه‌ها صورت بگیرد. مهاباد دو نوع ساختار متمایز دارد: اول، ناحیه قدیمی با بافت منسوخ سکونت و آمدوشد که در واقع هسته اصلی شهر است و از تجمع مسکن پیرامون اندام‌های بنیادی محله‌ای، شهری و ساحل مهاباد فرم یافته است. این ساخت به علت تراکم فوق العاده آن حداقل میزان مالکیت عمومی و فضاهای باز شهری را دارد. دوم، ساختار تقریباً جدید و منظم جدید و اطراف بافت اولی که قدمتی بیش از نیم قرن ندارد. سرچشمه این تغییرات در بافت سنتی گذشته شهر ناشی از سیاست حکومت مرکزی برای اسکان نظامیان و کارمندان دستگاه‌های اداری و... است. در واقع، نوع و شکل زندگی مردم تغییر کلی یافته، ترکیب خانواده تغییر کرده و در نتیجه خانه نیز به صورت منطقی خود دچار تحول شده است؛ همان طور که عوامل دیگر موجود در بافت مسکونی قدیم مانند مدرسه و حمام نیز متحول شده و عملکرد جدیدی یافته است و در نتیجه تغییر شکل و عملکرد داده است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

نقشه 1. موقعیت شهر مهاباد

شهر مهاباد چون بدون برنامه و باتوجه به هسته اولیه به رشد خود ادامه داده است در اثر مرور زمان و همچنین شکلگیری مناطق جدیدتر بافت قدیمی شهر که در نقشه به آن اشاره می‌شود با بیشترین میزان فرسودگی روبه رو می‌باشد. بیشتر بافت‌های فرسوده شهر در هسته اولیه شهر و توسعه‌های اولیه شهر به وجود آمده‌اند و بیشتر این نوع بافت را با عنوان بافت فرسوده شهری در نظر گرفته‌اند. البته دیگر بخش‌های بافت‌های فرسوده شهری در ادوار دیگر توسعه شهر به وجود آمده‌اند. یکی از مسایل که در اکثر بافت‌های فرسوده وجود دارد این است که بیش از ۸۰٪ این بافت‌ها را مسکن و یا منازل مردمی تشکیل می‌دهد. وضعیت در شهر مهاباد نیز بدین گونه می‌باشد. با توجه به نقشه‌های موجود از بافت فرسوده و بافت شناسی شهری بیشتر مناطقی را در بر دارد که دارای کاربری مسکونی‌اند و این بافت‌ها بیشتر از لحاظ میزان دسترسی و یا مشکلات خاص خود با هم اختلاف دارند و گرنه در بسیاری جهات همانند یکدیگر می‌باشند.



نقشه 2. انواع بافت شهری در شهر مهاباد

بافت فرسوده در مهاباد سطحی بالغ بر ۱۵۱ هکتار را شامل می‌شود. با توجه به مساحت بافت فرسوده در سطح شهر می‌توان گفت که این اندازه (۱۵۱ هکتار) بافت در شهری که جزو شهرهای متوسط و میانه اندام می‌باشد نسبتاً زیاد است و این فرسودگی تنها به ساختمان‌های شهری محدود نمی‌شود بلکه در بسیاری از موارد حتی پیاده‌روها، خیابان‌ها و زیرساخت‌های بعضی از مناطق نیز با فرسودگی روبه رو هستند.

آنچه بیش از همه خود را در بافت فرسوده شهر نشان می‌دهد مساله واحدهای مسکونی است که تمامی آنها دارای مالکیت خصوصی هستند. از این رو نمی‌توان هر برنامه‌ریزی را برای آنها انجام داد و باید سعی کرد که از مدل‌های مشاوره‌ای و مشارکتی در برنامه‌ریزی برای این گونه بافت‌ها استفاده کرد. مطالعات ساختار جمعیتی و اجتماعی بافت فرسوده بیانگر آن است که این بافت از تراکم بسیار بالایی برخوردار نمی‌باشد. تراکم خالص ۲۱۸ نفر در هکتار برای کل بافت فرسوده بیانگر این موضوع بوده است. دقت در مباحث جمعیتی و اعداد و ارقام آن نشانگر آن است که مناطق ۲ و ۳ و ۵ با داشتن بالاترین رقم‌های تراکم خالص



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

(به ترتیب با ۲۵۲، ۲۹۰ و ۲۳۷ نفر در هکتار) نسبت به بقیه بخش‌های بافت فرسوده دارای تراکم بالاتری هستند. ریزدانه بودن بافت از نظر سطح تفکیک قطعات مسکونی هم خود در این محلات تاکید مضاعفی بر این گفته است. به ترتیب مناطق ۳، ۵ و ۲ با دارا بودن تعداد ۶۵۴، ۱۷۵۰ و ۴۰۹ واحد مسکونی زیر ۲۰۰ متر مساحت، دارای تراکم بالای مسکونی می‌باشند. این مناطق همچنین دارای بناهای مرمتی و تخریبی بیشتری نسبت به دیگر مناطقتند.

تحلیل یافته‌های پژوهش

دفع آبهای سطحی: از مشکلات و معضله‌های کلی در رابطه با بافت فرسوده در شهر مهاباد می‌توان قبل از هر چیز به سیستم دفع آبهای سطحی در داخل آنها توجه شود و اوج آن را می‌توان در خیابان سه آسیاب شهر مهاباد می‌باشد و این مشکل به گونه‌ای است که در فصل‌های بارندگی تمام آب بارش از قسمت بالایی آن از طریق پله‌ها به کوچه‌های پایین و بعضاً سقف منازل دیگر نفوذ و جاری می‌شود که آب داخل کوچه نیز با آن همراه شده و در بعضی موارد که این کوچه‌ها دارای گل و لای می‌باشند همراه شده و به دلیل نبود جوی آب و جدول‌کشی‌های دفع آبهای سطحی بر روی سطح خیابان جاری شده که باعث آب گرفتگی می‌شود و گل و لای ناشی از حمل آن نیز باعث کثیفی و نامطلوب بودن پیاده‌رو و خیابان می‌شود. از مناطق دیگر که این مشکل را دارا می‌باشند منطقه محمودکان و باغ سیسه و قسمتی از زمینهای شهرداری نیز می‌باشد. البته در نگاهی کلی به دلیل وجود شیب‌های متعدد و نوع توپوگرافی مهاباد بیشتر مناطق مهاباد با این مشکل روبه‌رو می‌باشند و نکته حائز اهمیت در این مناطق دارای بافت فرسوده این مسئله می‌باشد که این معضل به تخریب و تضعیف ابنیه و بنیه ساختمان به عنوان یک کاتالیزگر عمل کرده و آن را سرعت می‌بخشد. **فضای باز شهری:** از مشکلات و معضله‌های در این رابطه که در بیشتر موارد دیده می‌شود فضای باز ناکافی و بهتر است بگوییم نبود فضای باز در این مناطق می‌باشند. دلیل آن این می‌باشد که این مناطق در سال‌هایی تفکیک شده‌اند که شهر بدون برنامه رشد کرده و تمامی این مناطق دارای امالک بوده‌اند که تفکیک آن نیز با توجه به سلیقه خود شخص بوده که بیشتر آن تماماً به صوت زمین برای ساخت مسکن به فروش رسیده و در تفکیک آن شهرداری نقشی نداشته است و این زمین‌ها به صورت قولنامه‌ای بوده بعد سال‌های طولانی برای این منزل‌ها و خانه‌ها سند برای آنها صادر شده است.

تراکم بالا: همانگونه که به آن اشاره شد این مناطق دارای فضای باز کمی می‌باشند و بنا به مشکلاتی که در بالا توضیح داده شد این مناطق بنا به همان دلایل دارای بیشترین تراکم می‌باشند و در بسیاری از موارد با تراکم‌های بسیار بالا و زمین‌های بسیار کم روبه‌رو می‌باشیم که مساحت‌هایی ۷۰متر و کمتر نیز روبه‌رو می‌شویم و مساحت ساختمان‌هایی با مساحت زیاد خیلی کم به چشم می‌خورد. این مناطق بیشتر دارای بافت مسکونی می‌باشند.

بافت نامنظم و ریز: از ویژگی‌های بارز در این مناطق و در هر منطقه‌ای که در بردارنده فرسودگی می‌باشد بافت نامنظم و کوچه‌های باریک و پیچ در پیچ می‌باشد که این یکی از ویژگی‌ها می‌باشد که در بسیاری از موارد مانع از اجرای برنامه‌ها می‌شود. همانگونه که به آن اشاره شد در این مناطق بافت‌ها بسیار ریزدانه می‌باشند و مساکن و منازل در این مناطق بسیار کوچک و نامنظم می‌باشند که در بسیاری از موارد حدود پیاده‌رو و کوچه را نیز اشغال کرده‌اند، نامنظم بودن در این مناطق بر پیچیدگی و همچنین مشکل و معضلی در برنامه ریزی تبدیل می‌شود که از جمله آن می‌توان به سیاست آزاد سازی فضا اشاره کرد که مدیران شهری می‌خواهند بافت نامنظم را به بافت منظم و شطرنجه تبدیل کنند که این مسئله مانعی بر سر راه این سیاست می‌باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

دسترسی‌ها: به جرأت می‌توان گفت که دسترسی‌ها یکی از مشکلات بسار حاد و در بعضی مواقع فاجعه بار می‌باشد برای مثال در این مناطق دسترسی‌ها بسیار مشکل می‌باشد و در هنگام آتش سوزی در این منطقه یا در یکی از کوچه‌ها سازمان آتش نشانی با این مسئله روبه رو می‌باشد که وسایل و تجهیزات سازمان آتش نشانی و وسایل نقلیه آنها نمی‌توانند که به محل دسترسی داشته باشند و این بر میزان خسارت می‌افزاید و یا در هنگامی که یکی از منازل نیاز به اورژانس داشته باشد اگر در کوچه ساده ترین وسایل نقلیه از جمله موتور سیکلت در کوچه ترافیک ایجاد کرده باشد با مشکل رسیدن و یا دیر رسیدن به محل روبه رو می‌باشد.

برهم زدن نظم معماری: در مواردی که فرسودگی با ارزش باشد یعنی جزو آثار تاریخی باشد دارای زیبایی‌ها و جذابیت‌های می‌باشد که بر زیبایی آن می‌افزاید.

ترافیک: این موضوع به وضوح قابل روئیت می‌باشد و دلیل آن این مسأله می‌باشد که این مناطق بنا به بافت خود هم ریزدانه و تامظم و دارای کوچه‌های تنگ و تاریکی می‌باشند مسلماً با ترافیک و کمبود فضای باز برای رفت و آمد روبه رو می‌باشند.

فضای سبز شهری: وقتی از منطقه‌ای مرتفع و یا در یک عکس هوایی به این مناطق نگریسته شود به جز بافت مسکونی و فضای آموزشی یا اداری فضای سبزی به چشم نمی‌خورد که این مسئله را ناشی از کمبود زمین اضافه و فضای باز می‌باشد.

برهم خوردگی عرصه و عیان: از ویژگی‌ها و بهتر است بگوییم که یکی از مشکلات و معضلات بافت‌های فرسوده این است، که در این مناطق که بافت عمده مسکن و مسکونی هستند قسمت عمده ملک را اعیان تشکیل می‌دهد که این نیز به مشکلی برای تغییر و نوساز شدن تبدیل شده است، زیرا که ساکنان آن میل کمتری به نوساز شدن منزل خود دارد و این مشکل در سیاست آزاد سازی زمین نیز می‌تواند یکی از نقاط ضعف باشد.

از بین بردن زمین‌های شهری: کمبود زمین شهری و گسترش بافت فرسوده در شهر به فرسودگی بیشتر و سرانجام به تخریب بنا منجر می‌شود که در اینصورت افراد ساکن در این مناطق و سایر افراد و خانواده‌ها و حتی نسلی که در مناطق بافت فرسوده بزرگ می‌شوند و ازدواج می‌کنند به دلیل اینکه منزل‌های آنها توانایی طبقات بیشتر را ندارد به همین دلیل بصورت مستقیم و غیر مستقیم به افزایش تقاضای مسکن و زمین در شهر کمک می‌کنند.

در این پژوهش با استفاده از اطلاعات پرسشنامه تلاش است تا به ارزیابی و سنجش وضعیت بافت فرسوده شهر مهاباد با تاکید بر هویت و حس مکان در آن بپردازیم:

جدول 1. ماتریس عوامل خارجی بافت فرسوده شهر مهاباد

عوامل خارجی (EFE): فرصت‌ها (O) و تهدیدات (T)		
امتیاز وزنی	رتبه	وزن
0.3	3.67	0.084
0.24	3.2	0.075
0.19	3.12	0.061
0.17	3.18	0.055
0.16	2.9	0.056

O₁: اهمیت محدوده در شهر

O₂: وجود تعداد زیادی اثر تاریخی با معماری برجسته در سطح ناحیه تاریخی

O₃: وجود گذرها و مجراهای عبوری با معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی

O₄: پتانسیل‌های اقتصادی محدوده مانند وجود بازار برای رونق محله در آینده

O₅: بالابودن ظرفیت منطقه و بافت تاریخی جهت سرمایه‌گذاری



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

0.11	2.78	0.043	O6: وجود ابنیه تاریخی برای ارتقای نقش فرهنگی محدوده
0.12	2.86	0.042	O7: ظرفیت توسعه گردشگری در بافت
0.12	2.92	0.042	O8: بالابودن جمعیت فعال
0.16	2.58	0.064	T1: تمرکز گروه‌های کم درآمد اقتصادی
0.13	2.28	0.059	T2: مالکیت شخصی واحدهای مسکونی
0.11	2.12	0.055	T3: کیفیت نامناسب نمای ساختمان‌ها
0.1	1.93	0.053	T4: قیمت پایین مسکن در ناحیه تاریخی و هدایت افراد کم درآمد و مهاجرین به آن
0.094	1.95	0.049	T5: نرخ بالای بیکاری در ناحیه تاریخی شهر
0.07	1.9	0.048	T6: نسبت بالای جمعیت متقاضی اشتغال در ناحیه تاریخی
0.064	1.8	0.046	T7: کمبود سرانه فضای سبز و ... در سطح ناحیه
0.07	1.75	0.004	T8: عرض پایین معابر در بافت محله و دشواری در تردد وسایل نقلیه
0.09	1.9	0.05	T9: مهاجرت جمعیت اصیل بافت به مناطق دیگر و جایگزینی با افراد کم درآمد و تمایل ساکنین به سکونت در خارج از محدوده
0.072	1.8	0.04	T10: عدم جذب مشارکت مردمی در برنامه‌های ساماندهی بافت
0.04	1.5	0.03	T11: تخریب و نابودی بخشی از آثار تاریخی موجود در بافت
0.051	1.7	0.03	T12: کمبود امکانات و خدمات
2.53	-	1.00	مجموع امتیازات

بر اساس محاسباتی که در جدول ماتریس ارزیابی عوامل خارجی آورده شد مجموع امتیاز نهایی عوامل خارجی محدوده بافت تاریخی و فرسوده شهر مهاباد برابر 2.39 به دست آمده است و این به معنای برتری عوامل فرصت در مقایسه با تهدیدات می باشد.

جدول 2. ماتریس عوامل داخلی باف فرسوده شهر مهاباد

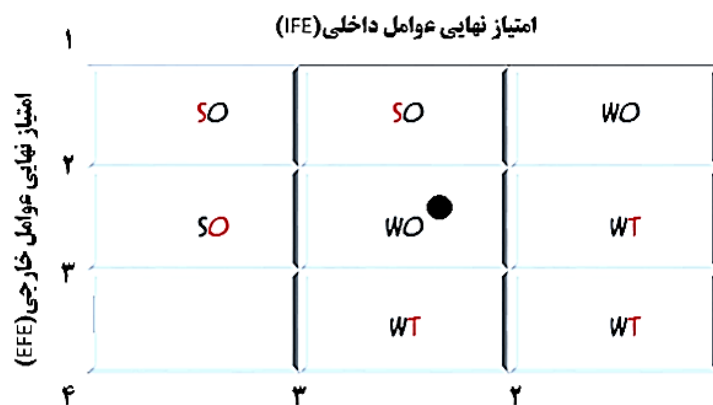
امتیاز وزنی	رتبه	وزن	عوامل داخلی (IFE): نقاط قوت (S) و نقاط ضعف (W)
0.21	3.02	0.085	S1: وجود بناهای با ارزش تاریخی و مذهبی
0.2	2.97	0.081	S2: مرکزیت بافت و امکان دسترسی به نقاط مختلف شهر
0.19	2.87	0.074	S3: بالابودن سطح نسبی سواد ساکنین در بافت محدوده
0.19	2.81	0.069	S4: توان بالقوه بافت برای گسترش فضاها و کاربری‌های موردنیاز
0.16	2.75	0.063	S5: مجاورت و سهولت دسترسی به بخش‌های تجاری شهر
0.13	2.63	0.052	S6: نگرش مثبت برخی ساکنین به ساماندهی محدوده
0.23	2.91	0.088	W1: مهاجرت زیاد افراد غیربومی به این محدوده
0.21	2.86	0.082	W2: مشکلات زیرساختی و عدم حمایت دولت و شهرداری‌ها در رفع و بهبود آن
0.19	2.74	0.071	W3: کمبود امکانات گذران اوقات فراغت

ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

0.15	2.55	0.066	W4: نبود امنیت کافی در معابر در برخی از ساعات شبانه روز
0.13	2.43	0.056	W5: عدم وجود کاربری‌های جاذب جمعیت
0.09	2.39	0.045	W6: عدم مشارکت بخش خصوصی در برنامه ریزی و ...
0.06	2	0.03	W7: وجود مشکلات فرهنگی در بافت
0.06	2	0.03	W8: کمبود امکانات و خدمات در منطقه بخصوص در اماکن تاریخی و محدوده پیرامونی
0.04	2	0.02	W9: وجود کاربری‌های ناسازگار
0.03	1.5	0.02	W10: مقاومت پایین بناها و ساختمان‌ها
2.4	-	1.00	مجموع امتیازات

بر اساس محاسباتی که در جدول ماتریس ارزیابی عوامل داخلی آورده شد مجموع امتیاز نهایی عوامل محدوده بافت فرسوده شهر مهاباد برابر 2.4 بدست آمده است و این به معنای برتری نقاط ضعف بر نقاط قوت می‌باشد. در واقع می‌توان گفت که در محدوده این شهر، نقاط ضعف موجود در شهر تاثیرات بیشتری را نسبت به نقاط قوت بر آن دارند.

پس از تدوین استراتژی‌های اولیه از مقایسه عوامل داخلی و خارجی در ماتریس SWOT استراتژی‌های مطلوب و قابل قبول از میان این استراتژی‌های اولیه انتخاب می‌گردد. ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی دارای دو بعد اصلی می‌باشد. جمع امتیازهای نهایی عوامل داخلی محدوده بافت فرسوده شهر مهاباد که بر روی محور Xها نمایش داده شده و جمع امتیاز نهایی عوامل خارجی بر روی محور Yها نوشته شده است. نقطه تلاقی جمع امتیازهای حاصل عوامل داخلی و خارجی شهر بر روی محور X و Yها تعیین کننده موقعیت این بخش در ماتریس استراتژی‌ها و اولویت‌های اجرایی است.



شکل 1. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی بافت فرسوده شهر مهاباد

این ماتریس را می‌توان به 3 ناحیه عمده تقسیم نمود و برای هر یک از نواحی استراتژی‌های متفاوتی را به کار برد:

بخش‌هایی که در خانه‌های 1، 2 یا 4 (از بالا و از چپ به راست) قرار می‌گیرند. واحدهایی که در خانه‌های 3، 5 یا 7 قرار می‌گیرند. سوم، واحدهایی که در خانه‌های 6، 8 یا 9 قرار می‌گیرند. در حالت اول استراتژی‌های تهاجمی، در حالت دوم استراتژی‌های محافظه کارانه و در حالت سوم استراتژی تدافعی در اولویت قرار دارند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

با توجه به جداول بالا و ماتریس ارائه شده که موقعیت بافت فرسوده شهر مهاباد را نشان می‌دهد براساس توضیحات ارائه شده می‌توان گفت که جهت دستیابی به بهترین نتایج در زمینه بازآفرینی بافت محله و ارتقای حس تعلق و مکان در آن استراتژی‌های محافظه کارانه (WO) در اولویت اول می‌باشند.

نتیجه گیری

فرسودگی ساختمان‌ها و محله‌ها در نابرابری میان «خدمات عرضه شده توسط بافت و نیاز امروز» نمود می‌یابد. بافت‌های فرسوده شهری که ساکنان بسیاری را نیز در خود جای داده است دارای شرایط بحرانی می‌باشند. بافت‌های فرسوده شهری در فرایند زمانی شکل گرفته و امروزه در محاصره تکنولوژی عصر حاضر و توسعه شهری جدید گرفتار شده‌اند و از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی می‌باشند که نمی‌توانند جوابگوی نیاز ساکنین خود باشند. آسیب پذیری خانه‌های بافت‌های فرسوده در برابر زلزله کاملاً جدی است. زیرساخت‌های بافت فرسوده از متوسط شهر بسیار کمتر است و فقر اقتصادی در بافت‌های فرسوده، توان مشارکت و نظارت مردم را سلب کرده است.

در این پژوهش تلاش گردید تا با بکارگیری رویکرد تحلیل SWOT و روش امتیازدهی QSPM به بررسی و تحلیل وضعیت بافت فرسوده شهر مهاباد پرداخته شود که در آن با تبیین عوامل داخلی و خارجی و امتیازدهی به این عوامل و تشکیل ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی موقعیت بافت محله در راستای ارتقای حس تعلق و مکان در آن مشخص گردد. مطابق نتایج حاصل از تحلیل SWOT جهت بازآفرینی بافت فرسوده شهر مهاباد با رویکرد ارتقای حس مکان در بافت محدوده استفاده از راهکارهای محافظه کارانه (WO) در اولویت اول قرار دارد.

راهکارهای پژوهش

- ایجاد مراکز محله‌ای قوی در محله با هدف ارتقای تعاملات اجتماعی و میان شهروندان و ساکنین و افزایش نظارت طبیعی
- تعریض معابر و بهبود دسترسی در محله مورد مطالعه
- کاهش فضاهای بی‌دفاع و تاریک با هدف کاهش تخلفات اجتماعی در سطح محله
- افزایش نفوذپذیری
- طراحی مناسب فضاهای شهری و افزایش خوانایی
- نورپردازی مناسب فضاهای محله با هدف ارتقای امنیت و بهبود وضعیت بصری
- کاهش تراکم جمعیتی در محله
- تجمیع قطعات کوچکتر در محله و بهبود وضعیت بلوک‌های شهری
- افزایش سرانه فضای سبز و عمومی در سطح محله مورد مطالعه که می‌تواند موجب حضور بیشتر ساکنین در فضای محله و افزایش نظارت طبیعی و امنیت گردد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

فهرست منابع

1. احمدی فرزانه؛ ساجده سندگل و الهام سعادت فر. ۱۳۹۳. بررسی معیارهای مؤثر بر سرزندگی اجتماعی در بافت های فرسوده شهری بافت فرسوده آبکوه، مشهد، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خوانش هویت ایرانی اسلامی در معماری و شهرسازی، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران.
2. پاکزاد جهانشاه. ۱۳۸۸. سیر اندیشه ها در شهرسازی جلد سوم. نشر شرکت عمران شهرهای جدید، تهران.
3. پیوسته گر یعقوب، اسلام نجاتیان. 1395. برنامه ریزی محله محور در بافت فرسوده با رویکرد نوشهرگرایی، برنامه ریزی منطقه‌ای، دوره 6، شماره 4 (پیاپی 24)، صص 153-133.
4. زنگنه یعقوب، سعید حسین آبادی، تکتم روشندل، رضا نبی پور. 1393. «تأثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه موردی محله سرده سبزوار». مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره 5، شماره 19، 111-128.
5. سیاف زاده علیرضا؛ صلاح عزیزیان و واحد احمدتوزه. ۱۳۹۲. احیاء و ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری با رویکرد توسعه پایدار شهری (نمونه موردی: شهر مهاباد، اولین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، همدان، انجمن ارزیابان محیط زیست هگمتانه
6. سلیمانی مقدم محمد، داوود سمیعی. 1392. شناسایی انواع بافت های شهری در شهر سبزوار، ششمین کنفرانس بین المللی برنامه ریزی شهری و مدیریت با تاکید بر شهر اسلامی، مشهد.
7. یعقوبی مهدی، مجید شمس. 1398. بازآفرینی بافت فرسوده با رویکرد توسعه پایدار مطالعه موردی: شهر ایلام، فصلنامه شهر پایدار، دوره 2، شماره 1، صص 63-77.

8. Boon, J., Helen. Cottrell, Alison. King, David. (2016). Disasters and Social Resilience: A Bioecological Approach, By Routledge.
9. Carmona, M. et.al (2006) public places, urban spaces, Architectural Press, Oxford.
10. Diamond, J., et al. (2012) Urban Regeneration Management: International Perspective, Routledge.
11. Ernawati, Jenny, (2018). Dimensions underlying place identity for sustainable urban development, MATTER: International Journal of Science and Technology, ISSN 2454-5880, Volume 3 Issue 3, Pp 271-285.
12. Roberts, P. and Sykes, H., 2000, Urban Regeneration, Sage Publication, Uk, London.
13. Seo, J.K., 2002, Re-urbanization in Regenerated Areas of Manchester and Glasgow: New Residents and the Problems of Sustainability, Elsevier, Vol. 19, No. 2, PP. 113-121.